

ارائه الگوی مفهومی راهبری شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

تهران

عقیل فرهنگیان*، احمد حشمتی**، رویا دارابی***

* دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران

Aghil_farhangian@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران

ahmad.heshmati86@yahoo.com

*** دانشیار حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران

royadarabi110@yahoo.com*

چکیده

باتوجه به اهمیت موضوع راهبری شرکتی و نقش مهم آن در اطمینان از شفافیت، پاسخگویی و ایجاد ارزش در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، این پژوهش باهدف تبیین ابعاد و مؤلفه‌های آن تدوین شده است. در این پژوهش گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه با استادان دانشگاهی و فعالان حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی انجام شده است. روش این پژوهش، تحلیل محتوا با رویکرد کیفی است. روش نمونه‌گیری و انتخاب خبرگان نیز به صورت گلوله‌برفی می‌باشد. ماحصل مصاحبه با خبرگان در ۸۵ کد مفهومی ارائه شده است که پس از تجزیه و تحلیل و ادغام و هم‌پوشانی، کدها در ۸ مقوله فرعی و ۴ مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند. مقولات فرعی هیئت‌مدیره، مدیرعامل و مشاوران در مقوله اصلی ارکان راهبری شرکت، مقولات فرعی حسابرس مستقل، حسابرس داخلی و کمیته حسابرسی در مقوله اصلی نظارت درون و برون‌سازمانی، مقوله فرعی سرمایه‌گذاران نهادی و کنترلی در مقوله اصلی ساختار مالکیت و مقولات فرعی ارتباطات درون‌سازمانی و ارتباطات برون‌سازمانی در مقوله اصلی ارتباطات طبقه‌بندی شدند.

واژه‌های کلیدی: ارکان راهبری شرکتی، نظارت درون و برون سازمان، ساختار مالکیت، ارتباطات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی.

مقدمه

راهبری شرکتی، موضوع چندبعدی در ادبیات حسابداری و مالی بوده و از اجرای سیاست‌ها و سازوکارهایی حمایت می‌کند که رفتار صحیح شرکت را در حمایت از سهام‌داران تضمین کند (سیرانی و قاسم‌نژاد، ۱۴۰۱). راهبری شرکتی مجموعه سازوکارهای هدایت و کنترلی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی می‌باشد که تعادل مناسب و معقولی میان حقوق صاحبان سهام از یک سو و نیازها و اختیارات هیئت‌مدیره از سوی دیگر برقرار می‌نماید. سیستم راهبری شرکتی، توزیع حقوق و مسئولیت‌های ذی‌نفعان مختلف شرکت‌ها اعم از مدیران، کارکنان، سهام‌داران و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی - که از فعالیت‌های شرکت تأثیر پذیرفته و بر آن اثر می‌گذارند - مشخص می‌کند. این سیستم، قوانین و رویه‌هایی جهت تعیین فرایندهای تصمیم‌گیری در شرکت اعم از هدف‌گذاری، تعیین ابزارهای رسیدن به اهداف و طراحی سیستم‌های کنترلی را معین می‌کند.

سازوکارهای راهبری شرکتی باعث کاهش مشکلات نمایندگی در شرکت‌ها می‌شود (افسری و همکاران، ۱۴۰۰). از آنجاکه سهام‌داران اختیار تصمیم‌گیری در مورد سرمایه خود را به مدیران واگذار می‌کنند بنابراین نیاز به سازوکارهایی دارند که به وسیله آنها اطمینان حاصل کنند که مدیران حقوقشان را رعایت خواهند کرد. گرچه شرکت‌های سهامی به منظور افزایش ثروت و رفاه جوامع به وجود آمده‌اند اما باید نظارتی بر حاکمیت آنها وجود داشته باشد تا این شرکت‌ها از موقعیت خود سوءاستفاده نکنند (بادآورن‌نندی و حشمت، ۱۳۹۷). از طرفی نظام راهبری ضعیف ممکن است موجب سلب اعتماد بازار گردد. رعایت اصول راهبری هم در سطح کلان به سلامت و رونق اقتصاد جامعه کمک می‌کند و هم در سطح خرد (فعالیت‌های مالی شرکت‌ها) می‌تواند در رشد شرکت‌ها تأثیرگذار باشد (نصرت و بادآور نهندي، ۱۳۹۷). لذا می‌توان گفت شرکت‌هایی که نظام راهبری شرکتی بهتری دارند، کمتر با مشکلات تضاد منافع و عواقب ناشی از آن روبرو می‌شوند (قدرتی و فیضی، ۱۳۹۴).

راهبری شرکتی بهینه می‌تواند کیفیت افشا را ارتقا بخشد، منافع مالکان را مستمراً بهبود دهد، عملکرد مالی را ارتقا و در نهایت ارزش واحدهای تجاری را افزایش دهد؛ بنابراین اگر الگویی بهینه برای راهبری شرکتی در شرکت‌های دولتی تبیین شود، می‌توان پیش‌بینی کرد باتوجه به تأثیراتی که سازوکارهای راهبری شرکتی بر تخصیص بهینه منابع دارد، منجر به بهبود وضعیت اقتصادی و رفاه این مجموعه‌ها و در نهایت کشور خواهد شد.

در این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به استثنای بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و شرکت‌های سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار گرفتند. در تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۷ دستورالعمل راهبری شرکتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران به تصویب هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسید و در دوازدهم آبان‌ماه همان سال به شرکت‌های فوق ابلاغ شده است. باتوجه به توضیحات و اهمیت موضوع فوق، در این پژوهش به ارائه یک الگوی مفهومی راهبری شرکتی اقدام شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

فروپاشی شرکت‌های بزرگ از قبیل انرون، آدفی، سیکو، گلوبال، لیونت موجب زیان دیدن قریب به اتفاق ذی‌نفعان و سرمایه‌گذاران شد و پس از تحقیق و بررسی مشخص شد که نظام‌های ضعیف راهبری شرکتی موجب بروز زیان شده و این رویدادها موجب تأکید بیش‌ازپیش بر ضرورت ارتقا و اصلاح راهبری شرکتی در سطح بین‌المللی شده است (امیر آزاد و همکاران، ۱۳۹۳).

اولین تعاریف ارائه شده از راهبری شرکتی^۱ - بیش از آنکه به کنترل پرداخته باشند- بر راهبری متمرکز بودند. روش‌های متعددی برای تعریف راهبری شرکتی وجود دارد که از تعاریف محدود و متمرکز بر شرکت‌ها و سهام‌داران آنان تا تعاریف جامع و در برگیرنده مسئولیت پاسخ‌گویی شرکت‌ها در برابر تمام ذی‌نفعان و اجتماع متغیر هستند. با وجود این، می‌توان بر اساس یک تعریف عمومی، راهبری شرکتی را نظامی نامید که شرکت‌ها با آن، هدایت و کنترل می‌شوند. با مرور تعاریف یادشده و تحلیل آنان می‌توان تعریف جامع و کامل زیر را ارائه کرد: راهبری شرکتی، قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگ‌ها و نظام‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخ‌گویی^۲، شفافیت^۳، عدالت^۴ و رعایت حقوق ذی‌نفعان می‌شود (حساس یگانه، ۱۳۸۵).

در حال حاضر دو الگوی راهبری شرکتی آنگلو - آمریکایی و قاره اروپا از الگوهای غالب محسوب می‌شوند که برای درک بهتر، ابتدا ویژگی‌های هر یک از الگوها را توصیف و سپس وضعیت موجود در مقررات حقوق شرکت‌های سهامی ایران و الگوی غالب در مقررات حقوق شرکت‌های سهامی مطرح می‌شود.

در قالب جدول ۱ می‌توان ویژگی‌های الگوهای فوق را خلاصه کرد:

نگاره ۱ الگوهای راهبری شرکتی

آنگلو - آمریکایی	قاره اروپا
تفکیک مالکیت از کنترل	اتحاد مالکیت و کنترل
تأمین سرمایه از طریق منابع خارجی	تأمین سرمایه از طریق منابع داخلی
قوانین مبتنی بر افشای زیاد	قوانین مختصر افشا
قدرت در حال افزایش سرمایه‌گذاران	
حمایت از سرمایه‌گذاران	

منبع: یحیی پور، ۱۳۹۷

هرچند در راستای همگرایی بین‌المللی راهبری شرکتی اقداماتی صورت گرفته است - که از جمله این اقدامات، اصول راهبری شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی است که شبکه بین‌المللی راهبری شرکتی^۴ ICGN

¹ Corporate Governance

² Accountability

³ Transparency

⁴ Justice

اظهار نظر کرده و بیان نموده الگوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به عنوان سنگ بنای راهبری شرکتی خوب است. همچنین اصول کالپر به عنوان گام مهم دیگری در راستای هماهنگ سازی استانداردها و راهبری شرکتی محسوب می شود- اما به عقیده برخی پژوهشگران، به کارگیری موفق اصول کاری بین المللی بستگی به میزان رعایت نظام های مختلف راهبری شرکتی از دستورالعمل های فوق دارد و هر کشوری دارای یک سیستم راهبری شرکتی با مشخصه و ساختار قانونی کاملاً متفاوت، سیستم مالی و ساختار مالکیت شرکتی، فرهنگ و عوامل اقتصادی خاص خود است. چنین چارچوب های متفاوتی در راهبری شرکتی، استفاده از اصول کاری عمومی را بسیار مشکل می کند (جیل و اریس، ۲۰۰۴).

در توجیه نظری الگوی راهبری شرکتی ترکیبی، قانع کننده ترین توجیه اصل «رقابت کامل می کند» است. رقابت های جهانی این معنا را در پی دارد که بازار بزرگ تر، سرمایه بیشتر و تولیدکنندگان متخصص تری می طلبد و مستلزم مشارکت فرامرزی میان سازمان های تولیدکننده کنونی است. فناوری های نوآورانه تولید نیز مانند حوزه سرمایه به سرعت در حال گسترش در بنگاه های سراسری جهان شد. همین مسیر باید در خصوص راهبری شرکتی دنبال شود. علی رغم این که اصطلاح راهبری شرکتی در دو دهه اخیر بارها و بارها مورد بحث متخصصان مالی و امور شرکت ها و اقتصاددانان جهان قرار گرفته و در ایران هنوز به گونه ای ارزشمند و به قاعده بررسی نشده است. دلیل آن تا حدی نیز روشن است؛ گستره فعالیت های شرکت های سهامی عام در قیاس با حجم عمومی فعالیت ها در اقتصاد ضعیف است و بازارهای مالی هنوز عمق و گستره کافی نیافته اند.

راهبری شرکتی در ایران بیشتر به سیستم درون سازمانی نزدیک تر است. با توجه به وجود بازار سرمایه و تلاش های انجام شده در مورد گسترش آن، سیستم راهبری شرکتی درون سازمانی در ایران مطرح است و موضوعیت دارد. در برنامه های سوم و چهارم توسعه کشور، به خصوص سازی عنایت ویژه ای شده است؛ لذا به نظر می رسد در صورت دستیابی به اهداف خصوصی سازی در این برنامه ها و افزایش سهام داران و ذی نفعان شرکت ها، سیستم راهبری شرکتی در کشور ما با توجه به تجربه سایر کشورها که به خصوص سازی دست زده اند، به سمت سیستم برون سازمانی تغییر جهت دهد (حساس یگانه، ۱۳۸۵).

با بررسی و مطالعه هر یک از الگوهای راهبری شرکتی می توان به این نتیجه رسید که هر یک از این الگوها دارای نقاط قوت و ضعف هستند. مشکلات نمایندگی و هزینه های آن در الگوی آنگلو - آمریکایی از نقاط ضعف این الگو و سطح پایین افشای اطلاعات و تضییع حقوق سهام داران اقلیت و عدم اتکا به بازارهای رقابتی از نقاط ضعف الگوی قاره اروپا محسوب می شود و مطالعات، حاکی از آن است که یک الگو تحت عنوان بهترین الگوی راهبری شرکتی وجود ندارد.

با توجه به اینکه راهبری شرکتی، متأثر از عواملی چون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و میزان حمایت قانونی از سرمایه گذار است، سیستم حقوقی هر کشور راهبری شرکتی خاص خود را دارد. نظر به اینکه امکان هم گرایی و ادغام الگوها بعید به نظر می رسد، الگوی ترکیبی راهبری شرکتی می تواند به عنوان الگوی مناسب قابل پذیرش باشد. با پذیرش چنین الگویی دستیابی به الگویی - که منافع سهام داران را با منافع گروه های ذی نفع ترکیب کند - آسان تر

می‌شود. چنین الگویی می‌تواند پایداری و مشروعیت نظام‌های اقتصادی را در یک چارچوب متنوع اجتماعی و سیاسی تقویت نماید (یحیی پور، ۱۳۹۷).

الگوی ترکیبی می‌تواند یک نقطه میانی پایدارتر برای راهبری شرکتی ایران باشد. همچنین نظر به وضعیت ایران و فقدان نظام راهبری شرکتی محکم و عدم وجود قوانین کافی و فقدان بازار رقابتی، الگوی ترکیبی برای ایران مناسب‌تر است.

راهبری شرکتی و انتخاب الگوی مناسب امروزه به‌عنوان یکی از مباحث اساسی در مطالعات حقوق شرکت‌ها و حقوق اقتصادی محسوب می‌شود. انتخاب الگوی مناسب و کارآمد می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی شرکت و ترویج موفقیت شرکت‌ها و در نهایت اقتصاد جامعه تأثیر بسزایی داشته باشد. هرچند الگوهای آنگلو - آمریکایی و قاره اروپا به‌عنوان الگوهای غالب محسوب می‌شوند، اما نظر به ایراداتی که هر یک از الگوها دارند، از جمله مشکلات نمایندگی و هزینه‌های آن و تصاحب خصمانه در الگوی آنگلو - آمریکایی و وجود ایراداتی چون سطح پایین افشای اطلاعات، اختلاف سهام‌داران اقلیت و اکثریت و عدم حمایت از سهام‌داران اقلیت در الگوی اروپایی قاره‌ای، موجب شده است که هیچ‌یک از این دو الگو به‌عنوان الگوی نهایی برای انتخاب راهبری شرکتی مناسب تلقی نشوند. با بینش حاصله، الگوی نوظهور راهبری شرکتی تحت عنوان الگوی ترکیبی، مناسب به نظر می‌رسد. با پذیرش این الگو، دغدغه‌های سهام‌داران و گروه‌های ذی‌نفع پوشش داده می‌شود. از این رو، با توجه به توضیحات فوق و عواملی که در ادبیات راهبری شرکتی وجود دارد، در این پژوهش سعی شده است یک الگوی بهینه راهبری شرکتی برای یک مجموعه اقتصادی و سازندگی دولتی ارائه شود.

پیشینه پژوهش‌های خارجی

نگوین و همکاران^۵ (۲۰۲۴)، به بررسی راهبری شرکتی و مدیریت سود پرداختند؛ این مطالعه با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از ۸۰۰ شرکت غیرمالی ویتنامی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸، یک شاخص جامع راهبری شرکتی در همسویی راهبری شرکتی با ایجاد کد به بهترین شیوه‌ها در ویتنام ارائه می‌نماید. ما شواهد قوی ارائه می‌دهیم که کیفیت راهبری شرکتی، مدیریت سود را محدود می‌کند که با ارقام تعهدی اختیاری و غیراختیاری، مدیریت سود واقعی اندازه‌گیری می‌شود. به طور خاص، ارتباط منفی بین کیفیت راهبری شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های خصوصی، شرکت‌های با مالکیت خارجی بالا و مالکیت متمرکز پایین، و شرکت‌های با رشد بالا در مقایسه با هم‌تایان خود عمیق‌تر است.

هارتونو و همکاران^۶ (۲۰۲۳)، در پژوهشی به بررسی عوامل حیاتی مؤثر بر اجرای راهبری شرکتی در اندونزی پرداختند. هدف این مطالعه بررسی و تحلیل عمیق‌تر عواملی است که باعث می‌شود راهبری شرکتی به‌درستی در اندونزی توسعه نیابد. بدین منظور شرکت‌های خصوصی و دولتی در شهرک صنعتی کالی‌مانتان شرقی به‌عنوان نمونه‌های تحقیقی انتخاب شدند. نتایج نشان داد که ساختار سازمانی و محیط فرهنگی ملی به‌شدت بر اجرای

⁵ Nguyen & Other

⁶ Hartono & Other

راهبری شرکتی از طریق میانجی‌گری ساختار سازمانی تأثیر می‌گذارد. کمک به درک محیط فرهنگی ملی در تلاش برای اجرای آن توسط ساختار سازمانی هدایت می‌شود. این مطالعه به طور جامع عوامل دیگری مانند فرهنگ سازمانی، رقابت محیطی و محیط باواسطه ساختار سازمانی را توصیف می‌کند. اما محیط فرهنگی ملی باواسطه فرهنگ سازمانی بر راهبری شرکتی تأثیر معنی‌داری نداشت.

مالک‌الدیری و همکاران^۷ (۲۰۲۰)، در پژوهشی تفاوت بین بازارهایی با میزان تمرکز بالا و پایین در استفاده از مدیریت سود تعهدی و واقعی و نقش راهبری شرکتی در کاهش چنین فعالیت‌هایی را در دو نوع بازار، در بین شرکت‌های آمریکایی، بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۶ بررسی کردند؛ یافته‌ها نشان می‌دهد که بنگاه‌های اقتصادی در بازارهای متمرکز در مقایسه با بازارهای غیرمتمرکز از مدیریت سود بیشتری استفاده می‌کنند و این می‌تواند ناشی از عدم تقارن اطلاعات بالا، قدرت چانه‌زنی قوی شرکت و عدم تأثیر انضباطی رقابت در بازارهای متمرکز باشد. پس از گنجاندن راهبری شرکتی در رابطه قبلی، نتایج نشان داد که به‌طور کلی اثر کاهنده مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر مدیریت سود، در بازارهای با تمرکز بالا در مقایسه با بازارهای غیرمتمرکز ضعیف‌تر است.

یولا و همکاران^۸ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین راهبری شرکتی و مسئولیت اجتماعی در ۲۷۷ شرکت بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بنگلادش طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ پرداختند. نتایج آنها نشان‌دهنده آن است که استقلال هیئت‌مدیره و نسبت مدیران زن با میزان افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت ارتباط مثبت و معناداری دارد. همچنین نتایج حاکی از وجود ارتباط منفی و معنادار بین مالکیت مدیریتی با میزان افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت است.

سریواستاوا و همکاران^۹ (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام با استفاده از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس هند پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد که بین راهبری شرکتی و هزینه سرمایه، ارتباط منفی معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار بین کمیته حسابرسی و هزینه سرمایه است.

سوسی و لوکاسون^{۱۰} (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین راهبری شرکتی و ریسک ورشکستگی در شرکت‌های کوچک و متوسط پرداختند. آنها در پژوهش خود از ۶۷۰۵۸ سال - شرکت و با استفاده از مدل آلتمن و همکاران (۲۰۱۷) به پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها پرداخته و برای اندازه‌گیری راهبری شرکتی از هفت معیار استفاده کردند. نتایج آنها نشان داد که با افزایش سن مدیرعامل و حضور مالکیت مدیریتی، ریسک ورشکستگی کاهش می‌یابد. همچنین وجود هیئت‌مدیره بزرگ‌تر در شرکت‌ها منجر به ریسک بیشتر ورشکستگی می‌گردد. استیانینگسی و موکتی^{۱۱} (۲۰۱۷)، در پژوهشی تأثیر راهبری شرکتی به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده، بر روابط بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود در بین شرکت‌های بورسی اندونزی در فاصله زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ را بررسی

⁷ Malek El Diri and Other

⁸ Ullah and Other

⁹ Srivastava and Other

¹⁰ Süsi and Lukason

¹¹ Istianingsih and Aloysius Harry Mukti

کردند. نتایج نشان داد که عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر مثبتی بر مدیریت سود دارد و راهبری شرکتی می‌تواند رابطه بین عدم تقارن اطلاعات و مدیریت سود را تعدیل کند.

پیشینه پژوهش‌های داخلی

قاسمی‌پور و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی فراتحلیل راهبری شرکتی و افشای اطلاعات شرکت را مورد بررسی قرار دادند؛ بدین منظور نمونه‌ای شامل ۶۲ مطالعه، مشتمل بر ۴۲ مطالعه خارجی در دوره زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹ و ۲۰ مطالعه داخلی طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که از بین سازوکارهای هیئت‌مدیره، تنها استقلال و اندازه هیئت‌مدیره بر افشای اطلاعات شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد و دوگانگی وظیفه مدیرعامل تأثیر منفی و معناداری بر افشای اطلاعات شرکت دارد. از سویی، ساختار مالکیت بر کیفیت افشای اطلاعات شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد.

سحری و حیدرپور (۱۴۰۲) ویژگی‌های راهبری شرکتی، حسابداری مدیریت استراتژیک و حسابداری مدیریت را مورد بررسی قرار دادند. در این راستا با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌سازی معادلات ساختاری به طراحی الگوی ویژگی‌های راهبری شرکتی با رویکرد تعاملی حسابداری مدیریت استراتژیک و حسابداری مدیریت پرداختند. جامعه مورد مطالعه در بخش کیفی شامل مدیران و رؤسا و استادان دانشگاهی حسابداری مدیریت با تمرکز بر راهبری شرکتی طی سال ۱۳۹۸ بوده است و در بخش کمی، تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ است. حجم نمونه مورد مطالعه در بخش کیفی ۲۴ خبره در حوزه حسابداری مدیریت با تمرکز بر راهبری شرکتی است که به روش گلوله‌برفی و اشباع نظری انتخاب شده و در بخش کمی - به‌منظور برآورد حجم نمونه مناسب از طریق حذف هدفمند - ۱۵۰ شرکت در نظر گرفته شدند. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های حسابداری مدیریت بر مؤلفه‌های حسابداری مدیریت استراتژیک و ویژگی‌های راهبری شرکتی تأثیر معناداری دارند. نتایج همچنین نشان داد که مؤلفه‌های حسابداری مدیریت استراتژیک بر ویژگی‌های راهبری شرکتی تأثیر معناداری دارند.

سیرانی و قاسم‌نژاد (۱۴۰۱)، به بررسی تأثیر مؤلفه‌های راهبری شرکتی بر سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. بدین منظور داده‌های ۱۰ سال ۱۵۱ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را به‌عنوان نمونه، بین سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۹ انتخاب نمودند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که از بین مؤلفه‌های مورد بررسی، استقلال کمیته حسابرسی، استقلال هیئت‌مدیره، تخصص کمیته حسابرسی، تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره، تصدی مدیرعامل، تخصص و صلاحیت واحد حسابرسی داخلی و نوع حسابرس بر سودآوری شرکت تأثیر مثبت دارند. دوگانگی وظایف مدیریتی در هیئت‌مدیره بر سودآوری شرکت تأثیر منفی داشته است. اما سهام تحت تملک سرمایه‌گذاران نهادی و تعداد جلسات هیئت‌مدیره و اندازه واحد حسابرسی داخلی بر سودآوری شرکت تأثیر ندارد.

پژوهی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر ریسک قیمت سهام بانک‌ها و شرکت‌های بیمه باتوجه به نقش تعدیلی سازوکارهای راهبری شرکتی پرداختند؛ به این منظور داده‌های ۲۴ بانک و ۲۵ شرکت بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که در بانک‌ها، ریسک بازار بر قیمت سهام تأثیر مثبت و معنادار و متغیرهای ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی بر قیمت سهام صنعت بانکداری تأثیر منفی و معنادار دارند. در شرکت‌های بیمه، ریسک بازار و ریسک نقدینگی بر قیمت سهام تأثیر مثبت و معنادار و ریسک اعتباری بر قیمت سهام این صنعت تأثیر منفی و معنادار دارد. همچنین، یافته‌ها در خصوص ریسک نشان داد که در ریسک اعتباری بانک‌ها، متغیرهای مالکیت نهادی، کمیته مستقل و کمیته حسابرسی بر قیمت سهام بانک تأثیر منفی و معنادار دارند. در ریسک بازار بانک‌ها، متغیرهای کمیته مستقل و کمیته حسابرسی بر قیمت سهام بانک تأثیر منفی و معنادار دارند. افزون بر این، در ریسک اعتباری شرکت‌های بیمه، مالکیت مدیریتی بر قیمت سهام شرکت تأثیر مثبت و معنادار دارد و اندازه هیئت‌مدیره بر قیمت سهام شرکت تأثیر منفی و معنادار دارد. در ریسک بازار شرکت‌های بیمه، مالکیت مدیریتی بر قیمت سهام شرکت تأثیر مثبت و معنادار دارد و کمیته مستقل بر قیمت سهام شرکت تأثیر منفی و معنادار دارد. در ریسک نقدینگی شرکت‌های بیمه، مالکیت مدیریتی بر قیمت سهام شرکت تأثیر مثبت و معنادار دارد.

امیری و همکاران (۱۴۰۱)، تأثیر راهبری شرکتی بر خوش‌بینی مدیران و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را مورد بررسی قرار دادند؛ بدین منظور داده‌های موردنیاز از ۷۹ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران، در طی دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ جمع‌آوری گردیده است. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که از میان سازوکارهای انتخاب شده راهبری شرکتی، استقلال هیئت‌مدیره، نقش دوگانه مدیرعامل، تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی بر رابطه بین خوش‌بینی مدیریت و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مؤثر هستند، اما رقابت در بازار محصول بر رابطه بین خوش‌بینی مدیریت و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مؤثر نیست.

بدیعی و همکاران (۱۳۹۸)، به بررسی آزمون کیفیت حسابرسی و سازوکارهای راهبری شرکتی در شرکت‌های فعال در بازار بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ پرداختند؛ نتایج حاکی از آن است که متغیرهای اندازه هیئت‌مدیره، مدیران غیراجرایی و اثربخشی کمیته حسابرسی / تعداد جلسات، اثر مثبت و معنی‌داری بر نرخ حق‌الزحمه حسابرسی دارند و متغیرهای دوگانگی نقش (مدیرعامل)، سواد مالی مدیران کمیته حسابرسی، تمرکز مالکیت و نوع رشته فعالیت شرکت، اثر منفی و معنی‌داری بر حق‌الزحمه حسابرسی دارند. همچنین متغیرهای مدیران غیراجرایی، اندازه کمیته حسابرسی و اندازه شرکت / کل دارایی‌ها، اثر مثبت و معنی‌داری بر وقفه گزارش حسابرسی دارند و متغیرهای اندازه هیئت‌مدیره، دوگانگی نقش (مدیرعامل) و سودآوری شرکت، اثر منفی و معنی‌داری بر وقفه گزارش حسابرسی دارند و متغیرهای استقلال هیئت‌مدیره و وجود حسابرس داخلی، اثر مثبت و معنی‌داری بر اندازه حسابرس دارند.

نصرت و بادآور نهندی (۱۳۹۷)، ارتباط بین راهبری شرکتی و رشد شرکت با تأکید بر نقش محدودیت مالی را مورد بررسی قرار دادند. بدین منظور با استفاده از نمونه آماری ۱۲۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

تهران شامل ۷۲۶ مشاهده، بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ را مورد ارزیابی قرار دادند؛ نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت با رشد شرکت ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد و محدودیت مالی بر رابطه بین راهبری شرکتی و رشد شرکت تأثیرگذار نمی‌باشد. رحمانی و کدخدایی الیادرنی (۱۳۹۶)، در پژوهشی ارزیابی راهبری شرکتی توسط حسابرسان داخلی در ایران را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش، میزان آشنایی و استفاده حسابرسان داخلی ایران از چارچوب‌های بین‌المللی برای ارزیابی‌های راهبری شرکتی، در تدوین یک برنامه حسابرسی داخلی جامع و کارآمد را سنجیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حسابرسان داخلی ایران کمتر از حد انتظار، آنچه را که مطابق با چارچوب‌ها و رهنمودهای بین‌المللی است، در ارزیابی‌های خود به کار می‌گیرند.

روش پژوهش

این پژوهش از دیدگاه هدف، از نوع کاربردی است؛ پژوهش‌های کاربردی با بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های بنیادی بر حل مسائل خاص در موقعیت‌های زندگی واقعی تأکید دارند. همچنین روش این پژوهش، تحلیل محتوا با رویکرد کیفی است. فرایند اجرای پژوهش‌های کیفی، فرایندی غیرخطی است که می‌تواند با نگاهی عمیق و همه‌جانبه به مطالعه پدیده موردنظر بپردازد. امکان به‌کارگیری خلاقیت و نقش فعال پژوهشگر در تمام مراحل، در کنار انعطاف‌پذیری روش‌ها و اجرای پژوهش در محیط واقعی، از امتیازهای رویکرد کیفی به شمار می‌رود (منصوریان، ۱۳۸۸).

داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه با استادان دانشگاهی و فعالان حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی گردآوری شده است. به‌منظور آگاهی از روش‌های پیاده‌سازی اصول راهبری شرکتی و تجارب آن‌ها در این زمینه، از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته به‌عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شده است. این نوع مصاحبه در عین تمرکز بر موضوع پژوهش با دارابودن انعطاف‌پذیری لازم، به پژوهشگر و مصاحبه‌شوندگان امکان می‌دهد به جنبه‌هایی از موضوع که از دیدگاه آن‌ها دارای اهمیت است بپردازند (فلیک، ۱۳۸۷). سؤال‌های مصاحبه با استفاده از مطالعات پیشین و پژوهش‌های مشابه تنظیم شده است. مصاحبه عمیق و باز از طریق تعیین موضوع، طراحی سؤال‌ها، توجه به موقعیت مصاحبه، نسخه‌برداری از داده‌های کسب شده، تحلیل داده‌های مذکور و گزارش‌دهی انجام شده است. مصاحبه‌ها نه آن‌چنان بسته است که پژوهشگر را محدود کند و نه آن‌چنان باز است که از موضوع اصلی پژوهش به‌دور باشد. پس از آن، از افراد انتخاب شده، مصاحبه به‌عمل آمده و از اظهارات و نظرات ایشان، نت‌برداری شده و گفت‌وگوها، در دستگاه ضبط صدا، جمع‌آوری شدند. گزارش‌نویسی انجام شده و مفاهیم و مقوله‌ها مشخص شدند.

همان‌طور که بیان شد، تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر با استفاده از تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. در این روش ابتدا متن ضبط شده، مصاحبه‌ها به‌دقت پیاده‌سازی شده و به‌دفعات بازخوانی می‌شود. برای اطمینان از پایایی، نسخه‌برداری بخش‌هایی از مصاحبه، علاوه بر پژوهشگر توسط فرد دیگری نسخه‌برداری شده و

با ردیف کردن و شمارش کلمات نسخه‌ها در برنامه واژه‌پرداز رایانه و بررسی تفاوت‌های موجود در دو نسخه، پایایی نسخه‌برداری به صورت کمی مورد کنترل قرار گرفت.

در این مرحله با استفاده از تحلیل محتوای کیفی تلخیصی، مقوله‌های استقرایی از طریق تقلیل بخش‌های مرتبط متن فراهم شدند. تمامی جملات، بندها، یا بخش‌هایی از مصاحبه که باعث ایجاد یک مفهوم مشترک می‌شدند، کنار هم جمع و سپس مفهوم‌سازی گردید. در مرحله بعدی مفاهیم ایجاد شده منجر به تشکیل مقوله‌ها شدند. هنگام نام‌گذاری مقوله‌ها، نام‌هایی انتخاب شدند که از نظر منطقی بیشترین ارتباط را با داده‌ها داشته باشد. این نام‌ها از ذخیره مفاهیم پژوهشگر در حرفه و رشته خود و یا از متون تخصصی رشته خاص و یا از کلمات و عبارات مورد استعمال مصاحبه‌شوندگان اخذ شده‌اند که در این حالت به آن‌ها کدهای زنده می‌گویند (استراوس، ۱۳۹۰).

به منظور اعتبارسنجی پژوهش، از معیارهای اعتبارپذیری و قابلیت اطمینان استفاده شده است؛ اعتبارپذیری به این معنی که در پژوهش حاضر پژوهشگر به منظور گردآوری اطلاعات اولیه و انجام مصاحبه، حضور نسبتاً طولانی و مستمر در محیط پژوهش داشته است و برای حصول قابلیت اطمینان جزئیات مربوط به چگونگی گردآوری داده‌ها و نحوه تصمیم‌گیری‌ها، تفسیرها و تحلیل‌های طی شده در فرایند پژوهش توسط افرادی خارج از پژوهش که ۲ نفر از استادان و پژوهشگران حوزه مالی و حسابداری - که دارای تجربه و تبحر در امر تحلیل محتوا بودند - مرور و بازبینی گردید و طی چندین جلسه مشاوره از نظرات آن‌ها در مورد صحت و کیفیت انجام مراحل مختلف پژوهش بهره‌برداری شد.

جامعه مورد مطالعه شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به استثنای بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و شرکت‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد. با توجه به هدف پژوهش، خبرگان از میان استادان دانشگاهی و فعالان حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی به طور هدفمند انتخاب شده‌اند تا منبع غنی و تأمین‌کننده اطلاعات مورد نیاز پژوهش باشند. در پژوهش کیفی برای اندازه نمونه، فرمول مشخصی وجود ندارد. همان‌طور که پاول (۱۳۷۹) در مورد اندازه نمونه در مطالعات کیفی، بحث "حد اشباع" را مطرح می‌کند و معتقد است گردآوری داده‌ها باید تا زمانی ادامه یابد که عناصر اساسی اطلاعات به حد اشباع برسند؛ یعنی تا زمانی که مصاحبه‌شونده‌ها مطلب جدیدی به داده‌ها اضافه نکنند و یا آنچه که مطرح می‌کنند، در تضاد با مطالب گردآوری شده نباشد، به جمع‌آوری داده‌ها از نمونه‌های پژوهش ادامه می‌دهند. همچنین برای جمع‌آوری داده از نمونه‌ها، از تکنیک گلوله‌برفی استفاده می‌شود. این روش که گاهی به آن روش شبکه‌ای یا زنجیره‌ای نیز گفته می‌شود، روش مناسب، کارآمد و ارزان برای دستیابی به افراد است. در این روش، پژوهشگر از اولین نمونه‌ها که اغلب به روش ساده انتخاب شده‌اند، می‌خواهد اگر افراد دیگری را می‌شناسند که در زمینه پدیده مورد بررسی دارای تجربیات و دیدگاه‌های مشابهی هستند، برای شرکت در مطالعه معرفی نماید. روش گلوله‌برفی ضمن اینکه وقت کمی می‌گیرد، به واسطه آشنایی افراد جدید با فرد اول و به واسطه او با پژوهشگر، راحت‌تر با پژوهشگر ارتباط برقرار می‌کنند (پولیت هارا، ۲۰۰۶).

یافته‌های پژوهش

پس از انجام مصاحبه با ۲۰ نفر از استادان دانشگاهی و فعالان حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی، در مجموع ۸۵ کد مفهومی اولیه استخراج شد که پس از تجزیه و تحلیل و ادغام و هم‌پوشانی، کدها در ۸ مقوله فرعی و ۴ مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند. مقولات فرعی هیئت‌مدیره و مدیرعامل و مشاوران در مقوله اصلی ارکان راهبری شرکتی (نگاره ۲)، مقولات فرعی حسابرس مستقل، حسابرس داخلی و کمیته حسابرسی در مقوله اصلی نظارت درون و برون‌سازمانی (نگاره ۳)، مقوله فرعی سرمایه‌گذاران نهادی و کنترلی در مقوله اصلی ساختار مالکیت (نگاره ۴)، و مقولات فرعی ارتباطات درون‌سازمانی و ارتباطات برون‌سازمانی در مقوله اصلی ارتباطات طبقه‌بندی شدند (نگاره ۵). این مقولات اصلی و فرعی بیانگر دیدگاه خبرگان مالی و اقتصادی این پژوهش است.

در نگاره ۲ مقوله اصلی ارکان راهبری شرکتی از مقولات فرعی هیئت‌مدیره، مدیرعامل و مشاوران تشکیل شده که هر کدام از این موارد در ارکان راهبری مؤثر در راهبری شرکتی می‌توانند تأثیرگذار باشند.

نگاره ۲. مقوله اصلی ارکان راهبری شرکت و زیر مقولات و مفاهیم مرتبط

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
ارائه صحیح گزارش‌های مالی و غیرمالی	هیئت‌مدیره و مدیرعامل	ارکان راهبری شرکت
انتخاب مدیرعامل طبق اساسنامه		
حضور عضو غیرموظف مالی در هیئت‌مدیره		
گذراندن دوره‌های آموزشی توسط اعضای هیئت‌مدیره		
تنظیم بودجه عملیاتی شرکت		
رعایت یکسان حقوق صاحبان سهام		
عدم محکومیت کیفری اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل		
غیرموظف بودن اکثر اعضای هیئت‌مدیره		
تشکیل کمیته انتصابات		
مستقل بودن اعضای هیئت‌مدیره		
تعداد مناسب اعضای هیئت‌مدیره		
موظف شدن اعضای هیئت‌مدیره بدون رأی‌گیری از عضو ذی‌نفع		
نگهداری سهام وثیقه به میزان مناسب		
عدم عضویت اعضای هیئت‌مدیره به‌عنوان عضو موظف در سایر شرکت‌ها		
عدم عضویت اعضای هیئت‌مدیره به‌عنوان عضو غیرموظف در بیش از سه شرکت		
وجود عضو مستقل هیئت‌مدیره و وجود عضو مستقل علی‌البدل هیئت‌مدیره		
وجود منشور هیئت‌مدیره		
داشتن منشور دبیرخانه هیئت‌مدیره		
اطمینان معقول هیئت‌مدیره نسبت به پیاده‌سازی اصول راهبری شرکتی		
وجود و پیاده‌سازی اخلاق سازمانی در شرکت		
استقرار سازوکارهای مناسب جهت حفاظت از دارایی‌ها		

تشکیل کمیته حسابرسی	مشاوران
انتخاب حسابرس داخلی در شرکت	
تشکیل کمیته ریسک	
بررسی اثربخشی هیئت مدیره و مدیرعامل	
انجام معاملات با اشخاص وابسته به شکل قانونی و درست	
افشای منافع مدیران در یک معامله	
مناسب بودن مبنای حقوق و مزایای اعضای هیئت مدیره و مدیران ارشد	
دوره تصدی مدیرعامل	
جدایی سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل	
انتشار صورت های مالی حسابرسی شده	
استفاده از مشاوران متخصص و باتجربه	

منبع: یافته های پژوهشگر

در نگاره ۳ مقوله اصلی نظارت درون و برون سازمانی از مقولات فرعی حسابرس مستقل، حسابرس داخلی و کمیته حسابرسی تشکیل شده که هر کدام از این موارد بر راهبری شرکتی تأثیرگذار هستند.

نگاره ۳. مقوله اصلی نظارت درون و برون سازمانی و زیر مقولات و مفاهیم مرتبط

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
تعامل خوب حسابرس مستقل با حسابرس داخلی	حسابرس مستقل	نظارت درون و برون سازمانی
فرایند اثربخش در حسابرسی واحد فرعی		
توجه به عملیات کلیدی توسط حسابرس مستقل		
توافق مؤسسه حسابرسی با کمیته حسابرسی درباره دامنه و برنامه حسابرسی		
انتخاب حسابرس مستقل و متخصص صنعت		
اختصاص منابع کافی برای حسابرسی		
مشارکت لازم مدیر و شریک حسابرسی در کار		
چرخش شرکا به درستی و در مدت مناسب	حسابرس داخلی	
ارزشیابی ها و برآوردهای معقول در تهیه صورت های مالی		
نحوه مناسب برخورد با رویدادهای غیرمعمول در صورت های مالی		
افشا اثر مالی هر گونه دعاوی حقوقی در جریان در صورت های مالی به نحو مناسب		
استفاده شرکت از حسابرسی داخلی برای بررسی فعالانه از کنترل های داخلی		
تقویت محیط کنترلی در جهت بهبود کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی		
پاسخگو بودن واحد حسابرس داخلی به کمیته حسابرسی		
درک لازم و کافی واحد حسابرس داخلی نسبت به مسئولیت ها و عملیات کمیته حسابرسی	حسابرس داخلی	
درک لازم و کافی واحد حسابرسی داخلی نسبت به ریسک محیطی و کسب و کار سازمان		
دیدگاه واقع گرایانه و تجاری واحد حسابرسی داخلی به کسب و کار		

انتخاب مناسب رئیس و اعضای کمیته حسابرسی	کمیته حسابرسی
ارتباط رئیس کمیته حسابرسی با ارکان کلیدی راهبری شرکتی	
بررسی پیش‌نویس گزارش‌های مالی و حسابرسی توسط کمیته حسابرسی	
توجه کامل به اظهارات حسابرس در نامه مدیریت	
جایگزینی اعضای کمیته حسابرسی به صورت مناسب و از طریق کمیته انتصابات	
شرکت اعضای کمیته حسابرسی در برنامه‌های مستمر آموزشی	
در اختیار قرار دادن منابع کافی به کمیته حسابرسی	
در اختیار قرار دادن اطلاعات مناسب و کافی و به موقع به کمیته حسابرسی	
نظارت کمیته حسابرسی به کنترل‌های داخلی و رفع نواقص آن	
ارتباط حسابرسان با کمیته حسابرسی	
بررسی اثربخشی واحد حسابرسی داخلی	
بررسی ریسک‌های سازمان توسط کمیته حسابرسی	
برطرف نمودن به موقع مسائل حسابداری	
صداقت دوطرفه حسابرسان مستقل با کمیته حسابرسی	
استقلال کامل کمیته حسابرسی	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در نگاره ۴ مقوله اصلی ساختار مالکیت از مقوله فرعی سرمایه‌گذاران نهادی و کنترلی تشکیل شده که بر راهبری شرکتی تأثیر قابل توجهی دارد. مفهوم مقوله فرعی تحت کنترل سهام‌داران نهادی و کنترلی بودن، از این جهت برای راهبری شرکتی مهم است که سهام‌داران نهادی با توجه به موقعیت خود، قدرت و کنترل بهتری بر عملکرد شرکت دارند، لذا چنانچه شرکتی دارای سهام‌دار کنترلی باشد، کنترل بهتری بر روی آن صورت گرفته و در نتیجه اصول راهبری شرکتی تقویت می‌یابد.

نگاره ۴. مقوله اصلی ساختار مالکیت و زیر مقوله و مفهوم مرتبط

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
تحت کنترل سهام‌داران نهادی و کنترلی بودن	سرمایه‌گذاران نهادی و کنترلی	ساختار مالکیت

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در نگاره ۵ مقوله اصلی ارتباطات درون و برون‌سازمانی از مقولات فرعی ارتباطات درون‌سازمانی و ارتباطات برون‌سازمانی تشکیل شده که هر کدام از این موارد بر راهبری شرکتی تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد.

نگاره ۵. مقوله اصلی ارتباطات درون و برون‌سازمانی و زیر مقولات و مفاهیم مرتبط

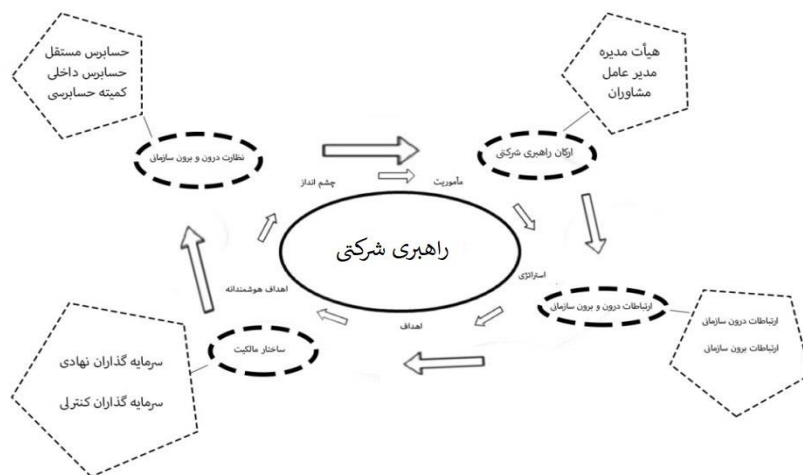
مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
--------	------------	------------

رعایت فعالیت‌های ایمنی و بهداشتی مختص صنعت	ارتباطات درون‌سازمانی			
آموزش کارکنان و کارکنان در خصوص نحوه کار				
انجام معاینات ادواری پزشکی کارکنان				
در نظر گرفتن فعالیت‌های ورزشی برای کارکنان				
تدوین آیین‌نامه مناسب در خصوص استخدام کارکنان				
داشتن مکانیزم‌های گزارشگری درون و برون‌سازمانی برای گزارش رفتار مشکوک و غیراخلاقی				
ارائه اطلاعات کافی به کارکنان در جهت شناسایی علائم خطر بالقوه و احتمالی				
وجود کارکنان یا مسئول واجد شرایط اجرای بازرسی‌های تقلب				
تصویب کمک بلاعوض به اشخاص خارج از شرکت توسط مجمع عمومی عادی سالیانه			ارتباطات درون و برون‌سازمانی	
برنامه‌ریزی برای شرکت در نمایشگاه‌ها و همایش‌های ملی و بین‌المللی				
همکاری با دانشگاه‌ها در زمینه‌های تحقیقاتی و پژوهشی				
بررسی واجد شرایط بودن تأمین‌کنندگان				
تصمیمات اتخاذ شده توسط مجامع یا هیئت‌مدیره در جهت حفظ منافع و حقوق سهام‌داران				
سنجش میزان رضایت مشتریان				
جلسات منظم با تأمین‌کنندگان عمده				
بررسی و به‌روزرسانی فناوری بکار رفته در صنایع مربوط به شرکت				
بررسی تنوع کالا و خدمات شرکت				
ارزیابی مأموریت‌ها و راهبردهای شرکت				
ارائه پشتیبانی و خدمات پس از فروش کالا و خدمات				
افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری				

منبع: یافته‌های پژوهشگر

الگوی مفهومی راهبری شرکتی

با استناد به یافته‌های پژوهش و تأمل بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش، یک الگوی پیشنهادی برای راهبری شرکتی، طبق شکل ۱ ارائه شده است. این الگو شامل ۴ مقوله اصلی و ۸ مقوله فرعی است.



شکل ۱- الگویی راهبری شرکتی

همان‌طور که از شکل ۱ مشخص است تمام مقولات استخراج شده از طریق مصاحبه‌ها و تحلیل محتوای کیفی به‌صورت یکپارچه ارائه شده‌اند و باید همگی در راستای رسیدن به اهداف سازمانی، با یکدیگر به کار گرفته شوند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

باملاحظه رشد قابل‌توجه مباحث راهبری شرکتی در ادبیات مدیریت، مدیریت مالی، اقتصاد و حسابداری و استراتژی شرکت می‌توان به اهمیت این موضوع پی برد. موضوع راهبری شرکتی در قرن ۲۱، از یک الزام رعایت به یک الزام استراتژیک کسب‌وکار تبدیل شده است. در بازارهای سرمایه و اقتصاد جهانی امروز که سهام‌داران، متنوع و مالکیت، گسترده است، راهبری شرکتی مناسب در افزایش و حمایت از ثروت سهام‌داران مهم است (حساس یگانه و سلیمی، ۱۳۹۰). در این پژوهش از طریق تحلیل محتوای کیفی به ارائه یک الگوی بهینه راهبری شرکتی پرداخته شد. بر اساس یافته‌های پژوهش از مجموع تحلیل‌های کیفی این پژوهش، ۸۵ کد مفهومی از ابعاد اصول راهبری شرکتی بررسی شدند. هر کدام از این کدهای کشف شده می‌توانند به‌عنوان موضوعاتی مستقل در پژوهش‌های آینده، به پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه راهبری شرکتی یاری رسانند و زمینه‌ساز کشف ابعاد جدیدی از مسائل حوزه راهبری شرکتی باشند.

در کل، یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان، حاکی از این مطلب است که معیار ارکان راهبری شرکتی از نظر این اشخاص در دو مقوله فرعی قرار می‌گیرد که شامل هیئت‌مدیره و مدیرعامل و مشاوران است. معیارهای مربوط به نظارت درون و برون‌سازمانی از نظر این گروه در سه مقوله فرعی قرار می‌گیرد که شامل حسابرس مستقل، حسابرس داخلی و کمیته حسابرسی است. معیار ساختار مالکیت نیز از نظر این گروه شامل مقوله فرعی سرمایه‌گذاران نهادی و کنترلی است و معیار ارتباطات درون و برون‌سازمانی نیز از نظر این گروه شامل ارتباطات است.

مهم‌ترین مقولاتی که مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان واقع شد مقوله ارکان راهبری شرکتی و نظارت درون و برون‌سازمانی است. از این جهت این دو مقوله برای آن‌ها بااهمیت بود که تمام تصمیمات و نظارت‌ها از طرف این

ارکان صورت می‌گیرد. آن‌ها معتقدند که در یک الگوی راهبری شرکتی مناسب باید ساختار هیئت‌مدیره به‌درستی ایجاد شود و همه اعضای هیئت‌مدیره در زمینه‌های مالی، حقوقی و کسب‌وکار آموزش‌های لازم را ببینند. همچنین بودجه عملیاتی مناسبی تنظیم شود و به‌طور مستمر عملکرد شرکت با آن مورد بررسی قرار گیرد. در معاملات با اشخاص وابسته تشریفات قانونی رعایت شود و حقوق صاحبان سهام به‌طور یکسان رعایت گردد. لازم است که اعضای هیئت‌مدیره آگاه به صنعت باشند. همچنین تعداد اعضای هیئت‌مدیره با توجه به اندازه شرکت، مناسب باشد. در ترکیب اعضای هیئت‌مدیره حتماً یک عضو باتجربه با دانش مالی وجود داشته باشد. جهت استقلال در نظارت و تصمیم‌گیری‌ها، اکثریت اعضای هیئت‌مدیره اعضای غیرموظف و حداقل بیست درصد از اعضای هیئت‌مدیره مستقل باشند. لازم به ذکر است این مورد با پژوهش بیسلی (۱۹۹۶) مطابقت دارد. همچنین خبرگان این پژوهش به‌موظف شدن اعضای هیئت‌مدیره بدون رأی‌گیری از عضو ذی‌نفع اشاره کردند. در جهت بهبود عملکرد، اعضای هیئت‌مدیره باید دارای سهام وثیقه مناسب، طبق اندازه و سرمایه شرکت باشند و همچنین اعضای هیئت‌مدیره باید نسبت به عملکرد خود دارای منشور و به آن پایبند باشند. هیئت‌مدیره باید سازوکاری داشته باشد که از طریق آن بتوان اطمینان یافت که اصول راهبری شرکتی به‌خوبی تحقق می‌یابد و نسبت به آن مستندسازی کامل صورت گیرد. در جهت بهبود ارزش‌های اخلاقی، هیئت‌مدیره باید اخلاق سازمانی مناسبی را تدوین، تصویب و تبلیغ نماید و به اجرای درست آن و به کنترل‌های داخلی مربوط به حفاظت از دارایی‌ها توجه لازم و کافی داشته باشند. در جهت ایجاد بازوهای نظارتی هیئت‌مدیره، حتماً کمیته‌های تخصصی (حسابرسی، ریسک و انتصابات) تشکیل و منشور مربوط به آن‌ها تهیه، تصویب و ابلاغ شود و از طرف هیئت‌مدیره، به کار آن‌ها نظارت کامل صورت گیرد. هیئت‌مدیره از طریق کمیته حسابرسی و منشور مناسب، حسابرس داخلی را تعیین و گزارش‌های دوره‌ای را از او اخذ نموده و بررسی کاملی بر روی آن‌ها انجام دهد. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود در ساختار سازمانی حتماً کمیته‌های تخصصی و حسابرس داخلی مدنظر قرار گیرد. در جهت بهبود عملکرد و نظارت شرکت، سمت‌های رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل باید از یکدیگر جدا باشند که مسئولیت‌های هر یک به‌خوبی ایفا شود. مدیرعامل در جهت بهبود کیفیت در تصمیم‌گیری‌ها، در برخی از امور باید از مشاوران متخصص و باتجربه استفاده نمایند و بر کار آن‌ها نظارت داشته باشد.

در مصاحبه با خبرگان مالی و اقتصادی مجموعه قرارگاه این نتیجه حاصل شد که حسابرس مستقل باید حتماً دارای استقلال لازم و در صنعت مربوطه دارای تخصص لازم باشد. همچنین حسابرس داخلی نیز با حسابرس مستقل ارتباط کاری نزدیکی داشته باشد. حسابرس مستقل واحد اصلی باید به اثربخشی حسابرس واحد فرعی توجه نماید. مدیر و شریک حسابرسی باید در کار حسابرسی مشارکت داشته باشند. شرکا باید طبق استانداردهای حسابرسی چرخش داشته باشند. ارزشیابی‌ها و برآوردها در صورت‌های مالی معقول باشند و حسابرسان به این موضوع باید توجه لازم داشته باشند. همچنین حسابرسان باید به افشاهای شرکت نسبت به دعاوی حقوقی توجه بالا داشته باشند.

حسابرس داخلی باید در سازمان حضور فعال داشته باشد و باید کنترل‌های داخلی را به‌خوبی بررسی کرده و گزارشی مناسب و به‌موقع در اختیار کمیته حسابرسی و هیئت‌مدیره قرار دهد و همچنین هیئت‌مدیره باید نسبت به تقویت کنترل‌های داخلی اقدامات لازم را انجام داده و همچنین حسابرس داخلی باید درک لازم از ریسک‌های سازمان و دیدگاه واقع‌گرایانه و تجاری به کسب‌وکار داشته باشند.

سازمان باید به کمیته حسابرسی توجه لازم داشته باشد. برای تشکیل کمیته حسابرسی، طبق منشور کمیته حسابرسی، رئیس کمیته باید عضو غیرموظف یا مستقل هیئت‌مدیره باشد و سایر اعضا باید به‌صورت کاملاً مستقل، طبق منشور کمیته حسابرسی، انتخاب شوند. رئیس کمیته حسابرسی باید با ارکان راهبری شرکت (رئیس هیئت‌مدیره، مدیرعامل، مدیر ارشد مالی، شریک حسابرسی، مدیر حسابرسی داخلی) ارتباط نزدیک کاری داشته باشد. در هر دوره کمیته انتصابات باید اعضای جدید کمیته حسابرسی را به هیئت‌مدیره پیشنهاد دهد. اعضای کمیته حسابرسی باید به‌صورت مستمر در دوره‌های آموزشی شرکت داشته باشند و دانش خود را بروز نمایند. همچنین اعضای کمیته حسابرسی باید به منابع کافی و اطلاعات موردنیاز دسترسی داشته باشند. کمیته حسابرسی باید به گزارش حسابرس داخلی و نامه مدیریت و پیش‌نویس گزارش حسابرس مستقل توجه ویژه داشته باشند. همچنین کمیته حسابرسی باید به اقدامات مدیریت نسبت به رفع مشکلات کنترل‌های داخلی توجه داشته و ریسک‌های سازمان را به‌طور مستمر توسط کمیته حسابرسی مورد پایش قرار دهد.

تعدادی از خبرگان به این اعتقاد دارند که سهام‌دار نهادی و کنترلی می‌تواند کمک زیادی به نظارت بر عملکرد شرکت داشته باشد؛ آن‌ها بیان داشتند که این نوع سهام‌داران با توجه به جایگاه و قدرت خود توجه زیادی به عملکرد شرکت دارند و می‌توانند عملکرد شرکت را کنترل کنند؛ بنابراین هرچقدر میزان درصد سهم سهام‌داران نهادی در شرکت‌ها بیشتر باشد، می‌توان بیان کرد که کنترل بهتری بر روی شرکت صورت می‌گیرد. این مورد با پژوهش کاپوپولس و لازاری تو (۲۰۰۷) مطابقت دارد.

باتوجه به نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها و بررسی پیشینه این پژوهش پیشنهاد می‌شود نهادهای مختلف دولتی به اصول راهبری شرکتی اهمیت ویژه‌ای قائل باشند؛ چرا که در ظاهر ممکن است کمی هزینه بیشتری به شرکت متحمل کند؛ ولی در عمل منافع بسیار زیادی برای سازمان ایجاد می‌کند. از بین موارد مختلف می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

توجه بیشتر به ترکیب آموزش و ترکیب اعضای هیئت‌مدیره (از نظر غیرموظف بودن، مستقل بودن)، تشکیل کمیته‌های تخصصی و نظارت بر اثربخشی آن‌ها، توجه بیشتر به واحد حسابرسی داخلی و نظارت هیئت‌مدیره بر اثربخشی این واحد، توجه بیشتر به گزارش‌های حسابرس مستقل و حسابرس داخلی، توجه بیشتر به کارکنان، تأمین‌کنندگان، مشتریان و به‌طور کلی کلیه ذی‌نفعان شرکت.

همچنین یکی از امتیازهای ویژه پژوهش‌های کیفی این است که علاوه بر تبیین پدیده مورد مطالعه، زمینه‌ساز تولید مسئله‌های جدید است. با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران به پژوهش‌های زیر نیز بپردازند:

بررسی بازخورد بلندمدت پیاده‌سازی الگوی راهبری شرکتی ارائه شده در این پژوهش، ارائه الگوی راهبری شرکتی برای سایر شرکت‌ها و مقایسه با نتایج این پژوهش.

منابع

استراوس، انسلم. (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ایرج افشار. تهران: نشر نی.

افسری، نیما؛ ترابی، تقی؛ نیکو مرام، هاشم و دارابی، رویا. (۱۴۰۰). تبیین تأثیر سازوکارهای راهبری شرکتی بر سیاست تقسیم سود در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۸۲-۶۹.

امیر آزاد، میر حافظ؛ زینالی، مهدی؛ شاهی، رضا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر گزینش اظهارنظر حسابرس. *دانش حسابداری*، ۱۴ (۵۷)، ۸۸-۶۵.

امیری، سید خسرو؛ رضائی، فرزین و خلعتبری لیماکی، عبدالصمد. (۱۴۰۱). تأثیر راهبری شرکتی بر خوش‌بینی مدیران و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۱۱، شماره ۳ (پیاپی ۴۳)، صص ۱۶۱-۱۴۵.

بادآور نهندي، یونس و حشمت، نسا. (۱۳۹۷). اثر سازوکارهای راهبری شرکتی بر ارتباط بین توانایی مدیران و ایجاد ارزش برای سهام‌داران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال ۱۱، شماره ۳۸، صص ۲۵-۱.

بدیعی، حسین؛ حساس یگانه، یحیی؛ ثقفی، علی و باباجانی، جعفر. (۱۳۹۸). آزمون کیفیت حسابرسی و سازوکارهای راهبری شرکتی، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۲۷۱-۲۶۱.

پاول، رونالد (۱۳۷۹). روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران. ترجمه نجلا حریری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

پژوهی، سحر؛ ناظمی، امین و نمازی، نوید رضا. (۱۴۰۱). تأثیر ریسک بر قیمت سهام بانک‌ها و شرکت‌های بیمه با توجه به نقش سازوکارهای راهبری شرکتی، فصلنامه قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۵۷-۲۷.

حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۵). *راهبری شرکتی در ایران*. تهران: حسابرس، شماره ۳۲.

حساس یگانه، یحیی؛ سلیمی، محمدجواد (۱۳۹۰). مدلی برای رتبه‌بندی راهبری شرکتی در ایران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۹ (۳۰)، ۳۵-۱.

- رحمانی، علی و کدخدایی الیادرائی، مزده. (۱۳۹۶). ارزیابی راهبری شرکتی توسط حسابرسان داخلی در ایران، فصلنامه دانش حسابرسی، سال هفدهم، شماره ۶۷، صص ۹۹-۱۲۲.
- سحری، محمدرضا و حیدرپور، فرزانه. (۱۴۰۲). ویژگی‌های راهبری شرکتی، حسابداری مدیریت استراتژیک و حسابداری مدیریت. فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۲(۴۵)، صص ۱۶۳-۱۴۹.
- سیرانی، محمد و قاسم‌نژاد، فاطمه. (۱۴۰۱). تأثیر مؤلفه‌های راهبری شرکتی بر سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، دوره ۱، شماره ۱، پیاپی ۱، صص ۶۲-۴۳.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- قاسمی‌پور، بهروز؛ احمدی، فایق و وکیلی فرد، حمیدرضا. (۱۴۰۲). فراتحلیل راهبری شرکتی و افشای اطلاعات شرکت، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابداری مدیریت، دوره ۱۲، شماره ۳ (پیاپی ۴۷)، صص ۳۹۱-۴۰۶.
- قدرتی، حسن و فیضی، سعید. (۱۳۹۴). تأثیر راهبری شرکتی بر میزان مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابرسی، شماره ۵۸، صص ۲۳۲-۲۰۵.
- منصوریان، یزدان (۱۳۸۸). امیدها و تردیدهای پژوهشگران به رویکرد کیفی در فرایند پژوهش. *کتاب ماه کلیات*، ۳ (۱۳)، ۶۰-۶۵.
- نصرت، قاسم و بادآور نهندی، یونس. (۱۳۹۷). ارتباط بین راهبری شرکتی و رشد شرکت با تأکید بر نقش محدودیت مالی، *مجله مدیریت توسعه و تحول*، شماره ۳۲، صص ۳۵-۲۵.
- Beasley, M. S. (1996). An Empirical Analysis Of The Relation Between The Board Of Director Composition And Financial Statement Fraud. *The Accounting Review*, 71 (4), 443-65.
- El Diri .M, Lambrinoudakis. C, Alhadab. M. (2020), Corporate governance and earnings management in concentrated markets, *Journal of Business Research*, Volume 108, Pages291-306, ISSN 0148-2963, <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.11.013>.
- Hartono, Suldja, Mochammad Al Musadieg, Kusdi Rahardjo, and Tri Wulida Afrianty. (2023). The Critical Factors Affecting the Implementation of Corporate Governance in Indonesia: A Structural Equation Modeling Analysis. *Economies* 11: 139. <https://doi.org/10.3390/economies11050139>.
- Istianingsih & Mukti A.H. (2017). Does Governance as Moderating Variable Influence the Relationships Between Asymmetry Information and Earning Management? , *International Business Management*. <https:// DOI: 10.36478/ibm.2017.859.864>
- Jill, S. & Aris, S. (2004). *Corporate Governance And Accountability*. John Wiley & Sons Ltd.
- Jinbu, Zh. & Wang, Y. (2016). Accounting Information Quality, Governance Efficiency And Capital Investment Choice, *China Journal Of Accounting Research.*, 251-266.
- Kapopoulos, P. & Lazaretou. S. (2007). Corporate Ownership Structure And Firm Performance: Evidence From Greek Firms. *Corporate Governance: An Institutional Review*, 15 (2), 144- 158.
- Nguyen, Quynh, H. Kim Maria, Ali Searat. (2024). Corporate governance and earnings management: Evidence from Vietnamese listed firms. *International Review of Economics and Finance*, 89 , 775-801. doi.org/10.1016/j.iref.2023.07.084.
- Polit-O'Hara D, B. (2006). *Essentials Of Nursing Research: Methods, Appraisal, And Utilization*. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins.
- Srivastava, Varnita, Das, Niladri, Jamini Kanta Pattanayak. (2019). "Impact of corporate governance attributes on cost of equity: Evidence from an emerging economy", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 34 Issue: 2, pp.142-161.

Süsi, Virgo, Lukason, Oliver. (2019). "Corporate governance and failure risk: evidence from Estonian SME population", *Management Research Review*, Vol. 42 Issue: 6, pp.703-720.

Ullah, Md Shahid, Mohammad Badrul Muttakin, Arifur Khan. (2019). "Corporate governance and corporate social responsibility disclosures in insurance companies", *International Journal of Accounting & Information Management*, Vol. 27 Issue: 2, pp.284-300.

Presenting a Conceptual Model of Corporate Governance in Companies Admitted to the Tehran Stock Exchange

Aghil Farhangian¹, Ahmad Heshmati², Roya Darabi^{3*}

¹PhD Student in Accounting, Faculty of Economics and Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Aghil_farhangian@yahoo.com

²PhD Student in Accounting, Faculty of Economics and Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ahmad.heshmati86@yahoo.com

³Associate Professor of Accounting, Faculty of Economics and Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

*Corresponding Author: royadarabi110@yahoo.com

Abstract

Considering the importance of corporate governance, its important role in ensuring transparency, accountability and value creation in companies admitted to the Tehran Stock Exchange and Iran Fara Bourse, this research was carried out with the aim of explaining its dimensions and components. In this study, data collection was done through interviews with university professors and accounting and auditing professionals. The method of this research was content analysis with a qualitative approach. Also, the method of sampling and selecting experts was snowball. The results of interviews with experts was presented in Δ conceptual codes, and after analysis, integration and overlapping, the codes were classified into 8 sub-categories and 4 main categories. The sub-categories of the board of directors, CEO (chief executive officer) and consultants were categorized in the main category of the pillars of corporate governance, the sub-categories of independent auditor, internal auditor and audit committee in the main category of internal and external supervision, the sub-category of institutional and control investors in the main category of ownership structure, and the sub-categories of intra-organizational communication and extra-organizational communication were classified in the main category of communication.

Keywords: pillars of corporate governance, internal and external supervision, ownership structure, intra-organizational and extra-organizational communication